



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۸/۰۵/۳۱

دوکتور صلاح الدین سعیدی

بعضی جوانب تابعیت و قومیت

از لحاظ حقوقی این مسأله وسیع و اثبات چیزی به نحوی باید دو حالت در نظر گرفت شوند:

۱/ حالت دی. یوره و یا به فرانسوی: دی. جوړه (از لحاظ قانونی) و ۲/ حالت دی فکتو (در واقعیت امر) .

مثلاً هر کسی که در افغانستان متولد شده و یا از والدین افغان متولد شده. از لحاظ واقعی و (دیفکتو) بروی اطلاق افغان میشود و افغان است.

دی یوره و از لحاظ حقوقی مطابق قانون اساسی هیچ کسی را نمی توان از جنسیت افغانی محروم کرد و به همه مردمان این خطه از لحاظ تاریخی و قانونی افغان خطاب میشود. اما اگر کسی راز مادر خود را فاش کند و بگوید که افغان نیست. باوجود اینکه در اصل و یا در ظاهر امر افغان است و وی از آن منکر میشود، باشد افغان نباشد. مشکل در دنیاییت و گستاخی است که این انتخاب خود را در خلاف واقعیت های تاریخی و حقوقی ملت تحمیل کردن از پدر و مادر افغان متولد شده افغان است.

قصه قرآنی: هابیل قابل را گشت که برادرش بود و بعد نمی دانست وی را چگونه و چه کند؟ دفن کردنش را از زاغ آموخت... بحث طالب برادر است و یا نیست و قیاس این مسأله با تمایلات سیاسی این و آن واقعیت را تغیر داده نمی تواند.

مشکل در دنیاییت و گستاخی است که این انتخاب خود را بر دیگران تحمیل کردن می خواهند.

از لحاظ حقوقی، قوانین مدنی و احوال شخصی در جهان در مورد کسی که در خانواده و رابطه شوهری و زنی تولد شده باشد، پدر طفل همان کس از لحاظ حقوقی دانسته میشود که خانم به آن کس متزوج است و بعد پدر کسی است که مادر به وی یکجا زندگی میکند. اما در صورتیکه عکس آن ثابت شود که این شخص در روابط ناروای مادر شخص تولد شده و حرامی میباشد.

حرامی هم انواع دارد. حرامیکه مادر پدر طفل را میشناسد و حرامیکه حتی مادر پدر طفل را نمی شناسد. این قسم دوم حالت بعضی از چهره های سیاسی کشور ماست.

یک حالت ممکن دیگر این است که برای اثبات قضیه معمولاً شهود و مستندات کار است اما در موردی هم کس و شخص بخاطر تذکیه، اقرار صورت گیرد. اما در صورت اقرار به جرم و چیزی، بر مستنطق است تا اتمام حجت کند و انگیزه اقرار را دریابد. این همه موارد دهها باریکی حتی در تفاوت به قضایای مدنی و جزایی دارند.

مثلاً در مورد افراد از والدین میکس و خلط شده. مثلاً طفل تولد شده از والدین که یکی امریکایی و دیگر خارجی باشد، طفل میتواند درخواست تابعیت امریکایی کند و درین صورت قسماً دیفکتو و قسماً دی یوره (دی جوړه) شخص امریکایی است.

یهودی باید یهود تولد شده باشد و مانند اسلام به اقرار یهودیت حاصل نمی شود. شخص در خواست کننده یا باید متزوج به یهودی باشد، یا درخواست یهودی شدن بدهد در هر دو حالت و بعد از درخواست مدت مدیدی را در آن مجمع و کلکتیف یهودیت زندگی و عمل کند و این رهبر دینی شان است که سخن اخیر و تصمیم گیرنده را دارد.

گذر موارد کسب تابعیت خارجی باید به دقت و باریکی دیگری نیز توجه کرد که تابعیت امتیاز است و نه حق. در گرفتن امتیاز، تقاضا کننده امتیاز، تقاضا میکند و جانب دیگر یا این امتیاز را میدهد و یا رد میکند. قبول کردن و جیبه نیست و در صورت رد، تقاضا کننده، مانند بدست آورنده حق تقاضا کرده نمی کند. تعبیر دیگر اینکه حق گرفته میشود و امتیاز داده میشود.

به برداشت من و باورم که در کشور ما و در زبانهای ما در بین مفاهیم نشانی (تابعیت) که افغان شد با ملیت که در واقعیت شبیه و عین همان افغانیت شد با مفهوم قومیت که پشتون، تاجک، ازبیک و هزاره و ... شد سوء تفاهمات و مغالطه های وجود دارند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

برداشت و فهم من چنین است که بکار گیر اصطلاح ملیت که همان ملت است بکار گیری درست ندارد.

ملت: افغان

ملیت: افغان و بکار گیری اضافی.

قوم: پشتون، تاجک و هزاره و ...

مسأله مثلاً سادات که گاهی قوم و گاهی مانند قوم و گاهی سلسله خانواده مانند آل یحیی قوم نیست و سادات در هر قوم وجود دارند.

آخوند زاده (ملا محمد عمر آخوند زاده) از لحاظ دینی به کسی اطلاق شده میتواند که درسه نسل پدر، پدر کلان و جدجد، مدرس و ملا باشد. لذا آخوند زاده مانند سادات قوم نیست.

مشکل ما درین است که در بحث هایکه باید در سطح مسلکی و اکادمیک صورت گیرد، افراد غیر مسلکی و غیر صاحب نظر و بحث شده اند.

من باور دارم و به آن تاکید دارم که به اتباع خارجی الاصل اول باید فرمان تابعیت و جنست (ناترالیزیشن) کسب کنند و در صورت درخواست و لزوم داده شود و بعد مسأله تذکره و پاسپورت به تعقیب آن.

اما ما افغانها در اولین پرسش از مهاجر افغان میپرسیم: پاسپورت گرفتی؟

در حالیکه باید پرسید: تابعیت گرفتی؟ ما همه را در گرفتن پاسپورت خلاصه میکنیم. ما قوم هزاره را با شعبه مغالطه میکنند، در حالیکه این مغالطه بس فاحش است و قوم هزاره سنی، شیعه، مسیحی و ... بلند رفتن تعداد شیعه و مسیحی تحت تأثیر مسایل مهاجرتی و پول ایران قابل درک اند.

و اما یک قیاس دیگر و بحث پراکنده را جمع میکنم:

هرکس حزب و کتله دینی را راجستر کرد به نام وی و به آن کتله دینی و حزب با طی پورسیجر های خاص جواز رسمیت داده میشود. اما در بخش از کشور های جهان و اروپایی در مورد احزاب و کتله های دینی که سابقه چندین دهه دارند در آن کشورها دادن جواز و تثبیت هویت و راجستر ضرورت به پورسیجر های معمول و طویل ندارد.

ضرورت است که مانند عرصه های زیادی مسایل کشور ما این مسأله نیز تنظیم و توافق شود.

توحید اوراق و اسناد تابعیت، تولد خط، سند اقامت موقت و دایم، پاسپورت و لایسنس دریوری و حتی کارت بانکی اسناد و مدارک قابل توحید منطقی و ممکن آن مدارک و تدابیر اند که به صورت قطع در برنامه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی کشور تأثیر بس مهم دارند.

پایان بی پایان